

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

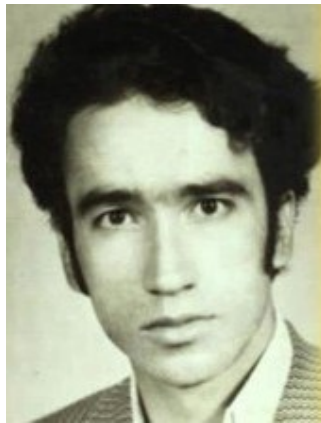
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۵ سپتمبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۱۷)

فریاد خاموش

شورِ تپیدنم را، صد عالمی ندارد قلبم ز خواب راحت، بهره دمی ندارد
از دیده ام نریزد، یک قطره اشکِ خونین چشمِ کبابِ پخته، هرگز نمی ندارد
فریادِ خامش ما، گوشی نمیخراشد آهنگِ نالهٔ ما، زیر و بمی ندارد
آه شراره خیزم در سینهٔ المناک از برقِ خانمانسوز، دست کمی ندارد
با لاله های خوندل، همدرد و همزبانیم چون زخمِ سینهٔ ما، کس مرهمی ندارد
خارا شق است از بس، ناخونِ همتِ ما صد کوهکن به پیشش، جانی، دمی ندارد
چون از خطرِ نترسیم، هرگز نمیگزینیم راهی که در مسیرش پیچ و خمی ندارد
ظلمت پسند پیچد، در پردهٔ سیاهی یعنی ز مرگ خورشید، شب ماتی ندارد

در کوچه‌های غربت، صد بینوا بجان است
از انفجارِ عصیانِ کاخ سکوت نشکست
برگِ گیاهِ افسوس، در مزرعِ دلِ ما
از حیلِ های صیّاد، صد دام گشته پنهان
در دامن بیابان، بیهوده جَسنتت چیست؟
در بزمِ خلوتِ دل جز جام نشئه حاصل
پیداست شهرِ امساک، ایچِ حاتمى ندارد
گوئی که جوفِ تهداب، پنهان بَمی ندارد
جز زهرِ تلخکامی، دیگر سمی ندارد
آهوى این بیابان، بیجا رمی ندارد
چون دشتِ غولپرور، ایچِ آدمی ندارد
عمری ست "سرمد" ما، ایچِ همدمی ندارد

کابل جدی ۱۳۵۲ خورشیدی «سرمد»